

فلسفه یازدهم - درس چهارم - آغاز تاریخی فلسفه

خیزش‌کننده: ۱- فلسفه آغاز تاریخی خاص ندارد مانند همه دانش‌ها

۲- معلوم نیست فلسفه ابتدا از چه مکانی پدید آمده - مانند همه دانش‌ها

۳- در هر تمدنی، افرادی درباره اساسی‌ترین مسائل بشر (مسائل فلسفی) اندیشیده‌اند

۴- تمدن‌های قدیمی و ساده **مقدمه و پلکان** تمدنی جدید هستند

۵- ایران باستان سرزمین فلسفه خیز بوده ← **قبل از یونانیان**

↓ **نمونه آن** ← **گاتاها** که سروده زرتشت است
در دوره کهن‌ترین فلسفه خیز بوده ← در دوره کهن‌ترین ایرانیان پوره اندیشه فلسفی
من اندیشیده‌اند و دارای ملوک معنوی پوره‌اند

۶- در تمدن‌های چین، هند، بین‌النهرین، مصر فلسفه رواج داشته است

← **مانند اوپانیشادها (متون هندی)**

نمونه‌هایی از متون فلسفی از حکمای قدیم

۱- اوپانیشاد ← باید به خود نگاه کرد، به خود گوش کرد و به خود اندیشید ← **خودشناسی**

با نگاه به خود و گوش کردن به خود و واقعیت دادن به خود هستی
شناخته می‌شود ← **خودشناسی مقدمه جهان‌شناسی و فلسفه اولی**

۲- لائوتسه ← بی‌حد و بی‌تمام پابرجاست، بی‌صدا و بی‌جسم، تنه‌ای - ثابت و غیرمتغیر

اوراتائوسی نامم ← **توصیف مبدء وجود**

۳- در آغاز دو معنای نیک و شر بوده اند آنرا با هم و توأمان می‌شناسند

فلسفه اخلاق → در آن‌ش - گفتار و کردار
← هیجان نیک را انتخاب می‌کنند، نه گمراهی‌ها

فلسفه در یونان ← مهر تفکر فلسفی نامیده شده

← چون ← اولین مجموعه های فلسفی از آنجا است
 ← در آنجا دانش فلسفه شکل گرفت
 ← تفسیر عقلانی جهان رایج شد

زادگاه فلسفه یونان ← **ایونیا** ← واقع در آبیای صغیر ← ترکیه کنونی

← عرقن قبل از میلاد ← مباحث فلسفی پایه گذاری شد
 ← اولین فیلسوفان پایه عرصه وجود گذاشتند
 لفظ فلسفه آن زمان رایج نبود
 در زمان سقراط سرزبان افتاد

انگاز شکل گیری فلسفه با ← اندیشیدن در مورد دگرگونی های طبیعت
 ← سعی در تحلیل عقلانی دگرگونی ها
 اندیشندان آبیای صغیر

نخستین اندیشمند یونانی که اندیشه فلسفی مشخص داشته است
 در قرن ششم قبل از میلاد - تاریخ مرگ و تولد او مشخص نیست
 ۱- تالس ← او در قرن ۵۸۵ قبل از میلاد خورشید گرفتگی سال ۵۸۰ قبل از میلاد
 را پیش بینی کرد
 ← او به دنبال یافتن مبداء تغییرات و دگرگونی ها بود
 ← او عنصر و پایه و اساس همه چیز را آب می دانست
 دلیل او ← منجم شدن آب - و روشن بگیاها پس از نزول باران

پایه گذار ریاضی و هندسه - یکی از پایه گذاران فلسفه
 ریاضیات را با فلسفه و عرفان در آمیخت ← ویک دستگاه فلسفی بنیان
 ۲- فیثاغورس ← گفته اسطوره درباره ← فیثاغوریان ← خود را وقف ریاضیات کردند
 ← از نظر آن

اصول اعداد و ریاضی

در باره همه موجودات
 صادق است
 عناصر اولی همه موجودات
 هستند

لفظ فلسفه، تئوری را و اولین بار بکار برده
 لفظ کیهان را و نخستین بار برای جهان استفاده کرد

اموری که باهم ضد هستند باهم جمع می شوند
 ↳ مانند دو نیمه خالی و پر لیوان
 ↳ مانند سر بالایی و سر آزاری

وحدت اضداد

وجود اضداد ↳ **جهان را می سازد**

گنجینه از بشیر و تضاد نیست

همه چیز در **تکلیان و حرکت** است

هیچ چیز ثابتی در جهان وجود ندارد

تغییر و تحول ↳ **دانشی جهان** ↳ دگرگونی ↳ قانون کائنات است

↳ بر همه چیز فرمان می راند

در یک رودخانه نمی توان دوبار شنا کرد

بناظر تغییر و حرکت دائم آن

به نقل افلاطون ↳ سقراط در جوانی با او ملاقات کرده است

عرضه فلسفه ↳ به زبان شعر - توصیف شاعرانه عقاید خود

دقت و توجه عمیق به مفهوم بودن و شدن (وجود و حرکت)

↳ **مفاهیم اصلی فلسفه**

هستی یک امر ثابت است **حرکت و شدن** ندارد

در جهان واقع **نیستی** راه ندارد - **نیستی هست** ↳ یک وجه متناقض

حقیقت هستی ↳ یک واقعیت بدون تغییر، جاودان و فنا ناپذیر است

↳ با حواس قابل درک نیست - با تفکر عقلی می توان آزاد ریافت

حواس ↳ فقط قادر به نشان دادن امور متغیر است

↳ مرتبه ظاهری جهان و **هستی**

عقل ↳ قادر به درک لایه باطنی و حقیقی هستی است

↳ که بدون تغییر و جاودانه است

۳- هراکلیتوس

۴- پارمنیدس

جهان هستی

باطن

ظاهر

↳ درک بوسه عقل

↳ درک بوسه حواس

ظهور سوفسطائیان در آتن

ن
اسا

کدیل ظهور آنرا ← آراء و نظرات گوناگون و غالباً متضاد دانشمندان پیرامون جهان و

نتیجه آراء متضاد دانشمندان ← غالب شدن تشویش و نگرانی بر مردم

بدانکه شدن بذر بی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه

در ذهن مردم

سوفیست ها ← منادیان بی اعتباری علم و اندیشه

← نظریات اندیشمندان را بی پرده می دانستند

← دلیل آنرا این بود ← سخنان آنرا با یکدیگر متضاد است

← آنرا نتوانسته اند تفسیر درستی از

جهان به دست آورند

به جای آموزش علوم

← به فن سخن وری روی آوردند

← به جای رسیدن به حقیقت ← پیروزی بر رقیب ← راه هدف قرار دادند

و در نهایت ← اصل حقیقت و واقعیت را انکار کردند